

متن پرسش

سلام علیکم: زبانم از تشکر قاصره که این مباحث رو به میدان و دسترس همگان در عصر انقلاب اسلامی آورده اید. خدا خیرتان بده. در بحث حرکت جوهری می‌فرمایید که این تفکر که کسی بگوید فقط می‌خواهم بیابم و مباحث عقلی را دنبال نمی‌کنم خیلی خطرناک است. حال آنکه جایی دیگر مثال آیت الله بهاءالدینی و امام خمینی رحمه الله رو می‌زنید که آیت الله فلسفه رو کار نکردند اما چیزی رو هم از دست ندادند اما امام جلسات اسفار را رفتند. حال دو سوال برایم مطرح است یک اینکه کار نکردن مبحث حرکت جوهری و فلسفه چه خطری را برای انسان دارد؟ دو اینکه این دو کلام فوق الذکر را چطور جمع کنیم؟ مجموعاً در این چند جلسه شروع حرکت جوهری حس می‌کنم بحث چنان ذهنی است که به کلی با مباحث معرفت النفس متفاوت است. هر چند به امید انتها و نتایج نورانی بحث به لطف خدا و دعای شما به جد ادامه خواهم داد اما الان این سوال ذهنم را درگیر کرده بود که حال که انسان می‌تواند اتحاد با حقایق پیدا کند جایگاه مباحث عقلی کجاست؟ دوستدار شما هستم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. برای سلوک فردی، عدم ورود به مسائل فلسفی هیچ خطری ندارد. ۲. جایگاه مباحث عقلی، مربوط به حضور اجتماعی و تمدن‌سازی اسلام است. مسلّم اگر بخواهیم با عقل مردم معارف اسلامی را در میان بگذاریم، نقش فلسفه‌ی اسلامی به‌خصوص با قرائت صدرایی که درست در طلیعه‌ی تاریخ مدرن به میان آمده است، فوق‌العاده می‌باشد. موفق باشید